

توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های اشکانی منطقه رومشگان لرستان

فرشاد میری*، ناصر نوروززاده چکینی** و دکتر علیرضا خسروزاده***

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، دانشگاه مازندران

** عضو هیات علمی پژوهشکده باستان‌شناسی

*** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

چکیده

شهرستان رومشگان واقع در غرب استان لرستان، از مناطق تقریباً ناشناخته در باستان‌شناسی ایران است. با وجود اینکه در این منطقه آثار و استقرارهای متعددی از دوره اشکانی دیده می‌شود، اما تاکنون پژوهش و تحقیق هدفمندی در این رابطه انجام نشده است. یقیناً مطالعه و بررسی این استقرارها می‌تواند افق روشن‌تری از وضعیت مادی-فرهنگی منطقه و همچنین چگونگی تعاملات فرهنگی آن با مناطق همجوار بدست دهد. بدین منظور در این مقاله یافته‌های سفالی اشکانی به دست آمده از بررسی محوطه‌های استقرار رومشگان مورد مطالعه، گونه‌شناسی، مقایسه و تحلیل قرار گرفته‌اند که در نتیجه آن چهار نوع سفال معمولی، جلینگی، منقوش و لعاب‌دار شناسایی شد. مطالعه و مقایسه تطبیقی سفال‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ مادی این منطقه طی دوره اشکانی، با وجود تأثیرپذیری از برخی ویژگی‌های بومی-محلی، در نهایت بخشی از گستره فرهنگی غرب کشور به شمار می‌رود. از دیگر نتایج تحقیق روشن شدن ارتباط فرهنگ سفالگری این منطقه با حوزه‌های فرهنگی همجوار مانند: جنوب غرب، شمال غرب و بین‌النهرین است.

واژگان کلیدی: رومشگان، لرستان، استقرارهای اشکانی، سفال اشکانی، گونه‌شناسی سفال.

درآمد

کَهزاد ویزنهار (معمدی، ۱۳۷۱)، و گزارش بررسی احمد پرویز محدود است (پرویز، ۱۳۸۵). با وجود تراکم نسبتاً زیاد یافته‌های سفالی بر سطح بنای قلعه کَهزاد و اهمیتی که این مواد فرهنگی در کاوش‌های باستان‌شناسی دارند؛ معرفی و تفسیر این یافته‌ها در گزارش حفاری آقای معمدی کاملاً مغفول مانده است.

در واقع هدف اصلی هیأت وی بر کاوش و انتشار داده‌های معماری، تزیینات بنا و اشیاء فلزی متمرکز بوده است و داده‌های سفالی را دربر نمی‌گیرد؛ در حالی که معرفی و انتشار یافته‌های سفالی این محوطه می‌توانست در شناخت ما نسبت به سفال اشکانی منطقه رومشگان و به تبع آن غرب کشور بسیار سودمند

با وجود پژوهش‌ها و تحقیقاتی که در خصوص فرهنگ و تمدن اشکانی در داخل و خارج از مرزهای ایران کنونی صورت گرفته، هنوز ابهامات زیادی در مورد جنبه‌های مختلف هنری این سلسله وجود دارد. یکی از مهم‌ترین مواد فرهنگی ابهام‌برانگیز دوره اشکانی سفال آن است که موضوعی دشوار و ناشناخته است و پژوهش و بررسی آن ضروری است. این ابهام بخصوص در مناطقی که تحقیقات در آن‌ها هنوز در مراحل ابتدایی است نمود بیش‌تری پیدا می‌کند. از جمله این مناطق می‌توان به منطقه رومشگان واقع در غرب استان لرستان اشاره کرد. اطلاعات ما از دوره اشکانی این منطقه، به حفاری نصرت‌الله معمدی در قلعه

میانگین بیش‌ترین دمای منطقه رومشگان در تابستان‌ها ۴۰ درجه و میانگین کم‌ترین آن در زمستان‌ها ۷- درجه سانتیگراد است. میانگین بارش سالانه آن حدود ۴۵۰ میلی‌متر در سال است. اتکاء به کشت دیم به دلیل نبود منابع آب دائم در منطقه رومشگان از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر زندگی ساکنان این دشت است. این دشت به عنوان یکی از مناطق کم آب استان لرستان شناخته می‌شود که منابع آبی سطحی چون چشمه‌ها و رودخانه‌ها در آن بسیار کم است. در واقع در رومشگان به غیر از تعدادی چشمه کوچک و کم آب و رودخانه فصلی، تقریباً هیچ منبع آب سطحی دائمی وجود ندارد. عمده سازندهای منطقه رومشگان، سازندهای کربناته با تخلخل و نفوذپذیری زیادی هستند که آب‌های حاصل از بارش را به درون خود هدایت کرده و سبب می‌شوند که جریان سطحی غالبی در منطقه رومشگان وجود نداشته باشد.

محوطه‌های اشکانی رومشگان

طی فعالیت‌های باستان‌شناسی که در سالیان اخیر در قالب حفاری (معمدی، ۱۳۷۲) و بررسی‌های میدانی (پرویز، ۱۳۸۵؛ میری، ۱۳۹۳)، در منطقه رومشگان صورت گرفته، آثار و استقرارهایی از دوره اشکانی شناسایی شده است (نقشه‌های ۲ و ۳ و نقشه نگي ۱). این استقرارها به گروه‌هایی شامل بنا، تپه، محوطه، قبرستان و پناهگاه تقسیم می‌شوند.

بناها: تنها بنای ساختمانی متعلق به دوره اشکانی در رومشگان قلعه کَهزاد ویزِنهار است. این بنا بر بلندترین نقطه کوه ویزِنهار ساخته شده و دید منظری بسیار مناسبی نسبت به مناطق اطراف از جمله جلگه سیمره و منطقه طرحان دارد. این بنا با استفاده از مصالح بوم‌آورد مانند سنگ‌های لاشه و ملات گچ ساخته شده است. نقشه آن مرکب از دو چارتاقی بهم پیوسته، دالان طاقدار باریک و طویل، حیاط مرکزی و تعدادی اتاق است. معمدی (حفار محوطه) قلعه کَهزاد را مهر کده‌ای از دوره اشکانی می‌داند که در دوره ساسانی تحت تأثیر کیش و مذهب جدید، این بنا تغییر کاربری پیدا می‌کند و با افزودن الحاقاتی به آن تبدیل به آتشکده می‌شود. کشف دو مجسمه برنزی از خدایان یونانی و

باشد. اما احمد پرویز در قالب تهیه پرونده‌های ثبتی محوطه‌های باستانی رومشگان، اشارات مختصری به وجود سفال اشکانی در تعدادی از استقرارهای این منطقه داشته است. بنابراین اطلاعات چندانی از سفال دوره اشکانی در منطقه رومشگان به عنوان بخشی از حوزه فرهنگی غرب کشور در دست نیست، به همین جهت در نوشتار حاضر سفال‌های به دست آمده از بررسی محوطه‌های اشکانی رومشگان که از جمله باارزش‌ترین مواد فرهنگی این دوره به شمار می‌روند و تاکنون به شکل مطلوب مطالعه‌ای در مورد آن‌ها صورت نگرفته است، به منظور شناخت بهتر ویژگی‌های سفال اشکانی منطقه غرب ایران، به ویژه استان لرستان مورد مطالعه و طبقه‌بندی قرار گرفتند. با توجه به اینکه ساخت سفال در دوره اشکانی به صورت محلی بوده و هر منطقه از ایران ویژگی‌های سفالگری خاصی دارد، قطعاً انجام این پژوهش در افزایش دانسته‌های باستان‌شناختی از دوره اشکانی در منطقه رومشگان و غرب کشور بسیار مفید و تأثیرگذار خواهد بود.

جغرافیای منطقه و ملاحظات زیست‌محیطی

شهرستان رومشگان در جنوب غربی استان لرستان و در ۳۳ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی قرار دارد. موقعیت جغرافیایی رومشگان به گونه‌ای است که از شمال به شهرستان کوه‌دشت، از جنوب به شهرستان دره‌شهر، از شرق به شهرستان پلدختر و از سمت غرب به زیر تنگ‌سیاب منتهی می‌شود (نقشه ۱). مساحت کل منطقه رومشگان در حدود ۳۴۷ کیلومتر مربع است که شامل یک دشت میانکوهی کوچک به وسعت حدود ۱۵۰ کیلومتر مربع است (رشیدی ارزنده، ۱۳۹۰: ۱۲). بیش‌ترین ارتفاع در حوضه رومشگان در شرق آن و با ارتفاع ۱۹۸۳ متر از سطح دریا و پست‌ترین نقطه آن که محل خروجی آب حوضه است با ارتفاع ۱۰۱۰ متر در غرب دشت قرار دارد. شیب متوسط حوضه در حدود ۵/۸ درجه است، اما در حدود نیمی از مساحت این دشت کم‌تر از ۵ درجه شیب دارد (رستمی زرین‌آبادی، ۱۳۸۹: ۲). کوه‌های مَلَه، بَرافتاو، ویزِنهار، سِدَن و داگَلَه از مهم‌ترین ارتفاعات منطقه به شمار می‌روند.

سنگی نمایان شده‌اند که در داخل و اطراف بعضی از آن‌ها سفالینه‌های از دوره اشکانی یافت می‌شود.

پناهگاه‌ها: پناهگاه مردابا واقع در ارتفاعات کوه برکتاوا، پناهگاهی شناخته شده از دوره اشکانی در منطقه رومشگان است. بستر پناهگاه کاملاً سنگی و صخره‌ای، دارای شیب نسبتاً تندی از بالا به پایین است که برای استقرار و سکونت مناسب نیست. در داخل پناهگاه مذکور سه سازه دست‌کند با ابعاد و اندازه‌های مختلف مشاهده می‌شود که شاید بتوان آن‌ها را به عنوان سازه‌های مرتبط با تدفین در نظر گرفت. سفال‌های به دست آمده از سطح پناهگاه از نوع سفال‌های شناخته شده اشکانی در غرب و جنوب غرب ایران هستند.

سفال اشکانی منطقه رومشگان

سفال‌های گردآوری شده از سطح محوطه‌ها و تپه‌های اشکانی رومشگان از نظر ساخت و ویژگی‌های فنی به چهار گروه معمولی، منقوش، لعاب‌دار و جلینگی تقسیم می‌شود.

سفال معمولی

ویژگی‌های فنی: خمیره نمونه‌های این گونه سفال بیشتر به رنگ‌های قرمز، نخودی، خاکستری و قهوه‌ای روشن دیده می‌شود. علاوه بر آن خمیره بعضی از سفال‌ها به رنگ‌های نخودی صورتی، نخودی تیره، قهوه‌ای قرمز، قهوه‌ای خاکستری، قهوه‌ای روشن و صورتی است. ماده چسباننده در خمیره این سفال‌ها در بیشتر موارد مواد معدنی شامل شن، شن ریز، ترکیب شن و آهک، شن و میکا و در مواردی نیز از شاموت گیاهی استفاده شده است. جنس خمیره این سفال‌ها عموماً معمولی و تعدادی با خمیره خشن نیز دیده می‌شود. حرارت برای پخت سفال کافی بوده ولی در مواردی نیز حرارت مناسب نبوده به طوری که مغز سفال به رنگ خاکستری تیره یا سیاه دیده می‌شود. سفال دارای بافت منسجم و به هم فشرده بوده، اما تعدادی نیز دارای بافت متخلخل و دانه‌ای هستند. در سطح داخلی یا خارجی شماری از سفال‌ها پوشش غلیظ یا رقیق به رنگ نخودی یا کرم دیده می‌شود و گاهی سطح سفال با دست مرطوب پرداخت شده است. بیشتر نمونه‌ها با دست ساخته

گجیری‌هایی از دوره ساسانی از جمله آثار هنری جالب توجه در این بنا است (معمدی، ۱۳۷۱).

تپه‌ها: تپه‌های چیاژیل، درگاوه، چیاپور، خنق‌الفت، خنق‌ممه‌جو، زاغه، دیور، گمه‌ای، چیاختق، چیا بی‌کسه و چیاپل از جمله تپه‌های شناسایی شده هستند. این تپه‌ها اغلب در مرکز دشت و داخل زمین‌های کشاورزی شکل گرفته‌اند و در بردارنده آثاری از دوره پیش‌ازتاریخ، تاریخی و اسلامی هستند. میانگین وسعت آن‌ها در حدود نیم هکتار است و وسعت هیچ کدام از تپه‌ها از دو هکتار و نیم تجاوز نمی‌کند. در تعدادی از این تپه‌ها می‌توان رد آثار معماری ساخته شده از لاشه‌سنگ و گچ را مشاهده کرد. برای پی بردن به جزئیات بیشتر باید کاوش‌هایی در این محوطه‌ها صورت گیرد. تپه‌هایی مانند خنق‌الفت، خنق‌ممه‌جو و چیاختق شبیه سازه‌های نظامی هستند. این تپه‌ها به لحاظ شکل هندسی چهارگوشند و با خندق‌هایی محصور شده‌اند. با توجه به ویژگی‌های ساختاری می‌توان گفت که احتمالاً این سازه‌ها با اهداف تدافعی و نظامی ساخته شده‌اند.

محوطه‌ها: از این گروه می‌توان به چیا بردینه، کَلِکِکِ نَظَرعلیوند، کَلِکِکِ مَهکی، باوی، کَلِکِکِ موسی‌آباد، چال‌زر، گلسونه، و عمولو اشاره کرد. از نظر موقعیت مکانی، محوطه‌های فوق در نقاط مختلفی مانند حاشیه دشت، مرکز دشت، و دامنه کوه‌ها دیده می‌شوند و اغلب به منابع آب فصلی دسترسی دارند. محوطه چال‌زر صرفاً متعلق به دوره اشکانی است و مابقی شواهدی از دوران‌های مختلف را در خود دارند. شواهد سفالی و آثار معماری به صورت پراکنده بر سطح این محوطه‌ها مشاهده می‌شود. شواهد معماری اغلب پراکنده، نامنظم، سنگی و بدون ملاط است که به نظر می‌رسد مربوط به ساخت و سازهای جوامع کوچ‌نشین باشد. به علاوه این محوطه‌ها اغلب وسیع هستند و ارتفاع چندانی نسبت به زمین‌های اطراف خود ندارند و به همین دلیل امروزه اغلب آن‌ها تبدیل به زمین‌های کشاورزی شده‌اند.

قبرستان‌ها: کَلِکِکِ موسی‌آباد از جمله استقرارهایی است که به احتمال زیاد در دوره اشکانی از بخشی از آن به عنوان گورستان استفاده شده است. این قبرستان در کنار رودخانه فصلی قرار دارد. در اثر حفاری‌های غیرمجاز بر سطح این محوطه قبرهای

(لوح ۱: ۵)، از اشکال دیگری است که نمونه‌های مشابه با آن در بین سفال‌های گزارش شده از شوش (Miroschedji *et al.*, 1987: Fig. 16.1) و بررسی دشت نهاوند (جعفری‌زاده دهاقانی، ۱۳۸۷: طرح ۳۹) دیده می‌شود. از اشکال بررسی شده کوزه‌های گردن‌دار که فاقد نمونه‌های مشابه از سایر محوطه‌های اشکانی است، می‌توان از کوزه‌هایی با لبه گرد متمایل به داخل (لوح ۱: ۶)، و کوزه‌های با لبه گرد شده و نقش طنابی در زیر لبه (لوح ۱: ۷)، نام برد.

کوزه‌های بدون گردن: از اشکال مطالعه شده، کوزه با لبه مثلثی خمیده به خارج (لوح ۱: ۲)، که نمونه مشابه با آن از دژ مادی بیستون (علیزاده، ۱۳۸۲: شکل ۱۲: ۳)، و بررسی دشت سرفروزآباد کرمانشاه (ایراندوست، ۱۳۹۱: طرح ۳: ۲۵) گزارش شده است. شکلی از کوزه‌ها با لبه گرد خمیده به خارج (لوح ۲: ۲)، مشخص می‌شود. از میان سفال‌های یافت شده از محوطه پاتپه هرسین (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۲۵: ۱۱)، و محوطه بیستون (Kleiss, 1970: Abb. 26: 35)، به سفال‌هایی مشابه با این نمونه اشاره شده است. از اشکال دیگر کوزه‌های بدون گردن که فاقد نمونه مشابه از سایر محوطه‌ها است، می‌توان از کوزه‌هایی با لبه تخت (لوح ۲: ۳) و لبه تخت متمایل به خارج (لوح ۲: ۴) نام برد.

کاسه‌ها: کاسه‌ها از لحاظ ساخت و شکل لبه به گروه‌های متعددی تقسیم می‌شوند. کاسه با لبه آویزان برگشته به خارج (لوح ۳: ۱)، فاقد نمونه مشابه از سایر محوطه‌های اشکانی است. شکلی از کاسه‌ها با لبه چهارگوش متمایل به داخل (لوح ۳: ۲)، شبیه نمونه‌های گزارش شده از دامنه پارتی بیستون (علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ۲۷: ۲)، بررسی حوزه ابهرود (مافی و صراف، ۱۳۸۵: ۵: ۶)، و قلعه یزدگرد (Keall & Keall, 1981: Fig. 15: 12) است. کاسه با لبه تخت و شیارهای روی لبه (لوح ۳: ۳)، با نمونه‌ای از بیستون (کلایس، ۱۳۸۵: شکل ۹)، قابل قیاس است، با این تفاوت که نمونه گزارش شده از بیستون فاقد خطوط کنده روی لبه است. شکل دیگری از کاسه‌ها، کاسه‌های عمیق با لبه گرد و نقش افزوده طنابی در زیر لبه (لوح ۳: ۴) است که شبیه

شده‌اند و در ساخت تعدادی از سفال‌ها از چرخ استفاده شده است. ظروف گونه معمولی در بیش‌تر موارد پوششی به رنگ نخودی، قرمز، قهوه‌ای و خاکستری دارند. تزیینات به کار رفته بر سطح آن‌ها نیز بیش‌تر به شکل شیارهای کنده افقی، موج یا شانه‌ای و نقوش افزوده است. تزییناتی با نقش فشاری کنده نیز بر سطح شماری از سفال‌ها دیده می‌شود. سفال‌گونه ساده را از نظر شکل می‌توان به گروه‌های زیر طبقه‌بندی کرد:

کوزه‌ها: رایج‌ترین شکل سفال مطالعه شده در بین نمونه‌های جمع‌آوری شده از سطح تپه‌ها و محوطه‌های اشکانی دشت رومشگان کوزه‌ها هستند. این کوزه‌ها از نظر شکل به دو گروه گردن‌دار و بدون گردن تقسیم می‌شوند که بیش‌تر نمونه‌های مطالعه شده از نوع گردن‌دار هستند.

کوزه‌های گردن‌دار: از اشکال این سفال می‌توان به کوزه گردن‌دار با لبه گرد آویزان به خارج (لوح ۱: ۱)، اشاره کرد که نمونه‌های مشابه آن از بیستون (کلایس، ۱۳۸۵: ۲: ۱۳)، و بررسی نورآباد لرستان (شهبازی، ۱۳۸۱: شکل ۱۴۹)، یافت شده است. نمونه (لوح ۱: ۲)، با لبه قائم و نقوش شانه‌ای موج، قابل مقایسه با سفالی از دامنه پارتی بیستون (علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ۶: ۳)، و قلعه یزدگرد (Keall & Keall, 1981: Fig. 11:3) است با این تفاوت که نمونه‌های بیستون و قلعه یزدگرد فاقد نقوش شانه‌ای موج هستند. مشابهتی نیز برای سفال (لوح ۱: ۳)، که دارای لبه برگشته به خارج و شیارهای روی لبه است از بررسی ماهنشان زنجان (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: طرح ۶: ۸)، بیستون (Kleiss, 1970: Abb. 26: 4, 5 & 7) و با کمی تفاوت در شکل و نداشتن شیارهای روی لبه از قلعه یزدگرد (Keall & Keall, 1981: Fig. 12N: 34) گزارش شده است.

سفال‌های با لبه تخت و شیارهای روی لبه در قسمت خارج (لوح ۱: ۴)، نیز در بین کوزه‌های گردن‌دار دیده می‌شود که قابل مقایسه با سفالی از بررسی شمال خوزستان (Wenke, 1975: Fig. 405) است، با این تفاوت که نمونه منتشر شده از خوزستان، شیارهای روی لبه و نقوش شانه‌ای موج بر روی بدنه ندارد. کوزه‌های گردن‌دار با لبه چهارگوش متمایل به داخل

دیگچه‌های بررسی شده با بدنه کروی و لبه آویزان به خارج (لوح ۵: ۲)، با اندک تفاوتی در شکل، قابل مقایسه با نمونه گزارش شده از بیستون (Kleiss & Calmeyer, 1996, Abb. 13)، و (علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۵: ۳) است. از قبرستان سنگ‌شیر همدان (افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳: طرح ۵: ۴)، نمونه‌ای مشابه با طرح ۵: ۳ با لبه گرد شده متمایل به داخل، گزارش شده است. دیگچه با لبه گرد متمایل به خارج (طرح ۵: ۴)، و دیگچه با لبه برگشته به خارج (طرح ۵: ۵)، از دیگر نمونه‌های مطالعه شده هستند که نمونه مشابه با آن‌ها از سایر محوطه‌های اشکانی گزارش نشده است.

بشقاب: یکی از نمونه‌های بررسی شده، ظرفی شبیه بشقاب ماهی (لوح ۶: ۱)، است که شباهت به ظروفی دارد که از شوش (Miroshedji et al., 1987: Fig. 25: 5 & 6) به دست آمده است. ظروف معروف به بشقاب ماهی شکل خاص ظروف سفالی در تمام خاور نزدیک در سه سده پیش از میلاد است و منشأ آن را باید در دنیای اژه (فرهنگ یونان-هلنیستی) جستجو کرد (هرینک، ۱۳۷۶: ۵۲). این ظروف لبه برجسته و آویزان متمایل به خارج دارد. دیواره آن‌ها شیب‌دار و بیش‌تر شبیه کاسه است. عمق آن‌ها نامشخص است و نمونه‌های لعاب‌دارشان از بیش‌تر مناطق تحت نفوذ حکومت اشکانی از جمله شوش، نوشیجان، پاسارگاد، قلعه سام در ایران و فیلکه، اددور، سلوکیه و نیپور در بین‌النهرین و حوزه جنوبی خلیج فارس گزارش شده است (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۵: ۴۸). نمونه مشابه با بشقابی که دارای لبه گرد متمایل به خارج (لوح ۶: ۲)، است از قبرستان چم‌سدره (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۱۸: ۶) گزارش شده است. نمونه‌ای دیگر از بشقاب‌های با لبه گرد متمایل به خارج (لوح ۶: ۳)، نیز در بین سفال‌های مطالعه شده وجود دارد که مورد مشابهی برای آن در میان سفال‌های گزارش شده از سایر محوطه‌های اشکانی یافت نشد.

سفال گونه منقوش

سفال‌های منقوش به تعداد اندک از سطح محوطه‌های دوره اشکانی رومشگان به دست آمده است. عمده این سفال‌ها از

آن در حفاری‌های قلعه یزدگرد (Keall & Keall, 1981: Fig. 22: 17) و بررسی تپه گوان‌نی در مریوان (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۵: ۵)، دیده می‌شود. نوعی از کاسه‌ها (لوح ۳: ۵)، مشابه نمونه‌های منتشر شده از قلعه یزدگرد (Keall & Keall, 1981: Fig. 20: 30) دامنه پارتی بیستون (علی‌بیگی، ۱۳۸۹، شکل ۱۴: ۶)، تپه تی‌هله خرم‌آباد (خسروی، ۱۳۸۵: شکل ۴: ۱)، و تپه ساتیار ولاشجرد توپسرکان (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۱۵: ۱۵)، لبه گرد شده خمیده به خارج با شیاری در زیر لبه دارند. کاسه با لبه مثلی خمیده به خارج (لوح ۳: ۶)، قابل مقایسه با نمونه‌ای از معبد لائودیسه نهاوند (رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: شکل ۱۴: ۴)، و کاسه با لبه مثلی آویزان به خارج (لوح ۳: ۷)، که مشابه نمونه‌های گزارش شده از تپه هگمتانه (آذرنوش، ۱۳۸۶: لوح ۱، شماره ۱۰۰۵)، معبد لائودیسه (رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: ۲۷: ۴) و شوش (Miroshedji et al., 1987: Fig. 21: 4) است، از دیگر انواع کاسه‌های مطالعه شده مربوط به استقرارهای اشکانی منطقه رومشگان هستند.

خمیره‌ها: این ظروف از نظر شکل و فرم لبه تنوع چندانی ندارند و عمدتاً از نوع خمیره‌های بدون گردن هستند. خمیره با لبه تخت (لوح ۴: ۱)، لبه گرد شده (لوح ۴: ۲)، و لبه خمیده به خارج (لوح ۴: ۳)، از گونه‌هایی است که مشابه آن‌ها به ترتیب از شوش (Miroshedji et al., 1987: Fig. 15: 9; Boucharlat, 1987, fig 69:6-8) و بررسی شمال خوزستان (Wenke, 1975: Fig. 503) گزارش شده است. چند نمونه از سفال‌های مطالعه شده، شامل خمیره‌های بدون گردن با لبه تخت برگشته به خارج (لوح ۴: ۴)، تخت ضخیم شده به داخل (لوح ۴: ۵)، و لبه تخت متمایل به خارج (لوح ۴: ۶)، به هیچ یک از خمیره‌های معرفی شده از سایر محوطه‌های اشکانی شبیه نیستند.

دیگچه: از اشکال این گروه می‌توان به دیگچه با بدنه کروی و لبه خمیده به خارج (لوح ۵: ۱) اشاره کرد که نمونه‌های مشابه با آن در میان سفال‌های منتشر شده از تپه تی‌هله خرم‌آباد (خسروی، ۱۳۸۵: شکل ۲: ۶)، و سنگ‌شیر همدان (افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳: طرح ۵: ۱)، دیده می‌شود. نمونه دیگری از

محوطه کلک مَهکی هستند.

ویژگی‌های فنی: خمیره سفال‌های لعاب‌دار قرمز، خاکستری و قهوه‌ای خاکستری، و از ماده چسباننده شن و شن ریز در خمیره سفال استفاده شده است. قطعات سفالی در حرارت مناسبی پخته شده‌اند و بافت منسجمی دارند. دو قطعه با دست و یک قطعه با چرخ ساخته شده‌اند. لعاب به کار رفته بر سطح و داخل سفال‌ها به رنگ سفید، سبز فیروزه‌ای و آبی روشن است. لعاب دو نمونه از سفال‌ها وضعیت نامناسبی دارد به طوریکه تقریباً بیش‌تر آن از بین رفته و فقط ته رنگ و پوسته زیر لعاب باقی مانده است. لعاب معمولاً مات و ترک خورده است.

اشکال: از جمله اشکال سفال لعاب‌دار می‌توان به کاسه، دیگچه و بشقاب اشاره کرد. یکی از نمونه‌های مطالعه شده، کاسه‌ای با لبه خمیده به خارج و بدنه پرنتری (لوح ۸: ۱)، است که مشابه آن از سلوکیه (Debevoise, 1934. Fig. 190)، یافت شده است. دیگچه با لبه گرد شده برگشته به خارج (لوح ۸: ۲)، که مشابه آن از تپه نوشیجان ملایر (Stronach, 1969: Fig. 9: 20)، گزارش شده است. از اشکال دیگر سفال‌های لعاب‌دار، که نمونه مشابه آن از سایر محوطه‌ها گزارش نشده است، می‌توان به بشقاب با لبه گرد متمایل به داخل (لوح ۸: ۳) اشاره کرد.

تزیینات سفال لعاب‌دار: سفال‌های لعاب‌دار به دست آمده از استقرارهای اشکانی رومشگان همگی ساده و فاقد تزیین هستند.

گونه جلینگی

سفال جلینگی از جمله سفال‌های شاخص غرب ایران در دوره اشکانی است و در بیش‌تر محوطه‌های این دوره در غرب ایران به دست آمده است. بیش‌تر نمونه سفال‌های جلینگی گردآوری شده از سطح محوطه‌های رومشگان، از نوع بدنه ظروف بودند و قطعات شاخص اندک هستند.

ویژگی‌های فنی: خمیره این نوع سفال‌ها خاکستری و رنگ سطح داخل و خارج این سفال‌ها: نارنجی، نارنجی روشن،

سطح پناهگاه مردایا جمع‌آوری گردید. سفال‌های شناسایی شده از سطح این پناهگاه همگی متعلق به دوره اشکانی هستند و از سایر دوره‌ها هیچ نمونه سفالی به دست نیامد.

ویژگی‌های فنی: این گونه سفال‌ها خمیره‌ای به رنگ نخودی و نارنجی دارند. رنگ سطح خارج و داخل نمونه‌ها به همان رنگ خمیره است. شاموت آن‌ها مواد معدنی مانند: ماسه، شن، شن ریز و دانه‌های سفیدرنگ است. همه سفال‌ها چرخ‌سازند و در حرارت مناسبی پخته شده‌اند. برخی از سفال‌ها پوششی گلی به رنگ کرم بر دو سطح بیرونی و درونی دارند. تزیینات نقاشی شده به رنگ‌های نارنجی و قهوه‌ای تیره است. عناصر نقشی شامل نقوش ساده هندسی به شکل خطوط افقی، عمودی و متقاطع است که اغلب روی بدنه ظروف و لبه‌ها به کار رفته‌اند.

اشکال: از اشکال شناخته شده سفال گونه منقوش، کاسه‌ها هستند. گونه‌ای از این ظروف با لبه آویزان برگشته به خارج (لوح ۷: ۱)، مشخص می‌شود که مشابه آن در بین سفال‌های منتشر شده از کاوش محوطه سرخ‌دُم لکی (شیشه‌گر، ۱۳۸۴: لوح ۱۴ از بالا سمت چپ)، دیده می‌شود. کاسه با لبه گرد و لبه گرد متمایل به خارج (لوح ۷: ۲)، از جمله اشکال دیگر کاسه‌های منقوش است که فاقد نمونه‌های مشابه از سایر محوطه‌های اشکانی هستند. علاوه بر کاسه‌ها، در بین سفال‌های منقوش دو قطعه سفال مربوط به بدنه ظروف (لوح ۷: ۳-۴)، نیز دیده می‌شود. این قطعات از پناهگاه مردایا که متعلق به دوره اشکانی است به دست آمدند و به همین دلیل قابل انتساب به این دوره هستند.

پرواخت سفال منقوش: به جز عمل صیقل بر سطح خارجی یکی از نمونه‌ها، پرواخت خاصی در این گونه سفال به کار نرفته است.

سفال گونه لعاب‌دار

در بررسی محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی منطقه رومشگان فقط سه قطعه سفال لعاب‌دار به دست آمد که همگی مربوط به محوطه

جلینگی تقسیم می‌شوند. از میان مجموعه نمونه‌های سفالین، سفال معمولی و ساده عمده‌ترین نوع سفال است که در این دوره، مردم ساکن بیش‌تر محوطه‌های دشت رومشگان از آن استفاده می‌کردند و بیش‌تر کارکرد روزمره داشته است. از اشکال این نوع سفال می‌توان به کوزه‌ها، کاسه‌ها، خمره‌ها، دیگچه‌ها و بشقاب اشاره کرد که بیش‌ترین تعداد آن‌ها را کوزه‌ها تشکیل می‌دهد. هر کدام از این گونه‌ها خود دارای زیر گونه‌هایی هستند.

سفال گونه معمولی از لحاظ ویژگی‌های فنی متفاوت از سفال سایر مناطق است. بیش‌تر قطعات با دست ساخته شده‌اند و در خمیره اکثر نمونه‌ها دانه‌های سفیدرنگ آهک دیده می‌شود که به صورت آگاهانه توسط سفالگر به خمیره سفال افزوده شده است. سفال‌های معمولی از لحاظ فرمی بیش‌تر به سفال‌های معرفی شده از محوطه‌هایی چون بیستون، قلعه یزدگرد، معبد لائودیسه، تپه نوشیجان و شوش شباهت دارند که این امر نشان‌دهنده ارتباط فرهنگی منطقه رومشگان با این مناطق است. تعداد سفال‌های منقوش به دست آمده از رومشگان بسیار کم است. گونه شناخته‌شده این گروه از سفال‌ها کاسه‌ها هستند که با نقوش هندسی و خطوط افقی و عمودی به رنگ قهوه‌ای تزیین شده‌اند. این ظروف از لحاظ نقش مایه و رنگ نقوش، شباهت به ظروف به دست آمده از محوطه سرخ دُم لکی در کوه‌دشت لرستان دارند. نقشمایه‌هایی همانند خطوط افقی و عمودی و نقوش هندسی از نقشمایه‌های دوره میانه اشکانی به شمار می‌روند (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۲۳).

کم‌ترین تعداد سفال به دست آمده در بررسی محوطه‌های اشکانی رومشگان مربوط به سفال لعاب‌دار با سه قطعه است. در واقع درصد بسیار پایین سفال‌های لعاب‌دار این گفته بوشارلا و هرینک را تأیید می‌کند که: «در غرب ایران ظروف لعاب‌دار به ندرت باقی مانده‌اند و نقاشی روی ظروف کاملاً محو شده است» (Boucharlat & Haerinck, 1991: 309). لعاب به کار رفته بر سطح این سفال‌ها به رنگ آبی و سبز روشن است که تقریباً از بین رفته و فقط ته رنگ آن باقی مانده است. این نمونه‌ها با نمونه‌های گزارش شده از نوشیجان و سلوکیه شباهت دارند و به نظر می‌رسد که وارداتی باشند.

نخودی، قرمز، قهوه‌ای و خاکستری است. در غالب نمونه‌ها به ویژه آن‌هایی که دیواره و بدنه ظریفی دارند، تشخیص اینکه چه ماده‌ای جهت استحکام بخشی گل سفال‌ها به کار رفته امکان‌پذیر نیست ولی در خمیره یکی از نمونه‌ها از ماسه و شن نرم استفاده شده است. همه سفال‌ها چرخ‌سازند و شکل منظم و یکنواختی دارند. تمام نمونه‌ها در حرارت مناسب پخته شده‌اند و بافت آن‌ها سخت و متراکم است. سفال‌ها دارای خمیره ظریف و به هم چسبیده‌ای هستند و بر سطح بیرونی و درونی آن‌ها عمل خاصی صورت نگرفته است.

اشکال: از اشکال این گروه می‌توان به پیاله، کاسه و کف اشاره کرد. از اشکال شاخص این گونه می‌توان به پیاله با لبه گرد متمایل به داخل (لوح ۹: ۱)، اشاره کرد که نمونه‌های مشابه با آن از معبد لائودیسه نه‌اوند (رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۱: شکل ۴: ۲۶)، و شوش (Miroschedji et al., 1987: Fig. 67: 2)؛ پیاله (Boucharlat, 1987: Fig. 67: 20) گزارش شده است. پیاله با لبه گرد شده متمایل به خارج (لوح ۹: ۲) از جمله اشکال دیگر پیاله‌های جلینگی است که نمونه مشابه با آن در بین سفال‌های اشکانی منتشر شده در سایر محوطه‌ها مشاهده نمی‌شود. در میان سفال‌های جلینگی دو نمونه کف مقعر دیده می‌شود. سفال مشابه با قطعه (لوح ۹: ۳)، از تپه گرگه‌لان کنگاور (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۳۷: ۱۷) به دست آمده است. همچنین مشابهتی برای نمونه (لوح ۹: ۴)، در بین سفال‌های یافت شده از تپه فراش قدیم هرسین (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۳۷: ۲۱)، و تپه نوشیجان ملایر (هرینک، ۱۳۷۶: شکل ۱۶: ۱۴)، دیده می‌شود.

تزیینات سفال جلینگی: سفال‌های جلینگی به دست آمده از بررسی محوطه‌های اشکانی منطقه رومشگان همگی ساده و فاقد تزیین هستند.

بحث و برآیند

با انجام طبقه‌بندی و گونه‌شناسی نمونه‌های سفالین منطقه رومشگان در دوره اشکانی نتایج زیر به دست آمد: سفالینه‌های دشت رومشگان به چهار گروه معمولی، لعاب‌دار، منقوش و

است. موقعیت جغرافیایی منطقه به عنوان بخشی از مسیر ارتباطی غرب کشور با سایر مناطق ایران یکی از مولفه‌های مهم در تحلیل وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن در طول تاریخ و به خصوص در دوره اشکانی بوده است.

دشت میانکوهی رومشگان به عنوان یک منطقه گذرگاهی عمل می‌کرده و مسیر ارتباطی مهمی بوده است. امروزه جاده مهم و ترانزیتی اسلام‌آباد-پلدختر که مسیر ارتباطی مهم غرب کشور با عراق و خوزستان است، از این دشت می‌گذرد. علاوه بر این، منطقه رومشگان یکی از اطرافگاه‌های زمستانی عشایر غرب کشور و به ویژه عشایر کرمانشاه و نورآباد دلفان است. این عشایر همه ساله در کوچ زمستانی خود از طریق مسیر ارتباطی کوه‌دشت-خرم‌آباد وارد رومشگان می‌شوند و حدود چهار ماه در این منطقه اطراق می‌کنند و در اواخر بهار از همین مسیر به سوی اقامتگاه‌های اصلی خود در مناطق نورآباد و کرمانشاه رهسپار می‌شوند. سبک معیشت و در رفت و آمد بودن این اقوام، خود عامل دیگری برای تبادلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

در واقع میزان بالای برهم‌کنش فرهنگی این منطقه با مناطق غرب کشور و خوزستان ناشی از موقعیت ارتباطی این منطقه، مسافت نسبتاً کم و وجود عشایر کوچ‌رو است. بنابراین با توجه به این نکات در مورد ارتباط فرهنگ سفالگری این منطقه می‌توان گفت که سفال‌های اشکانی دشت رومشگان با وجود تأثیرپذیری از سنت سفالگری جنوب غرب، شمال غرب و بین‌النهرین و داشتن ویژگی‌های بومی و محلی، در حوزه فرهنگی غرب قرار می‌گیرد. همچنین براساس مقایسه گونه‌شناختی سفال‌های دشت رومشگان با سفال محوطه‌های اشکانی واقع در فلات ایران و به ویژه منطقه غرب می‌توان نتیجه گرفت که اغلب نمونه‌های قابل مقایسه متعلق به دوره میانه و متأخر اشکانی هستند. این گاهنگاری با توجه به وضعیت سیاسی دوره اشکانی و تسلط آن‌ها بر غرب ایران در نیمه قرن دوم ق.م نیز همخوانی دارد، همچنین نقد ولسانگ بر کتاب هرینگ را در مورد این که در سده‌های اولیه فرمانروایی اشکانیان هنوز بسیاری از مناطق جزو متصرفات آن‌ها نبوده و فرهنگ اشکانی در آن مناطق حضور نداشته و فرهنگ سفالگری از دوران قبل شکل

سفال‌های جلینگی مطالعه شده در این تحقیق، دارای خمیره خاکستری، شاموت نامشخص، حرارت کافی و کیفیت ساخت ظریفند و با استفاده از چرخ سفالگری ساخته شده‌اند. این قطعات ساده و فاقد تزیین‌اند و بخش‌هایی از ظروف کوچک و متوسط را تشکیل می‌دهند و مشابه سفال محوطه‌هایی مانند بیستون و شوش هستند.

از لحاظ کمیت داده‌های سفالین می‌توان گفت که تعداد نسبتاً زیادی سفال از سطح محوطه‌ها جمع‌آوری شد. این موضوع بر مجموع سفال‌های گردآوری شده از کل استقرارها صدق می‌کند در حالی که تعدادی از استقرارها به طور جداگانه از نظر تعداد داده‌های سفالی نسبتاً فقیر هستند. عباس عزیزاده در مورد شیوه‌های تولیدی و کشاورزی کوچ‌نشینان معتقد است: «جوامعی که سطحی پایین‌تر از متوسط دارند از نظر تولیدات سفالی نیز فقیر هستند» (Alizadeh, 2000: 247-260). احتمالاً فقر سفالی این محوطه‌ها در ارتباط با این موضوع باشد.

با مطالعه تطبیقی و گونه‌شناختی سفالینه‌های دشت رومشگان در دوره اشکانی می‌توان چنین نتیجه گرفت که بیش‌ترین شباهت سفالی این دشت با منطقه غرب کشور بود که در حدود ۵۰ درصد نمونه‌ها را در بر گرفته است. بعد از غرب به ترتیب، جنوب غرب، شمال غرب و بین‌النهرین با منطقه مورد مطالعه برهم‌کنش داشته‌اند. همچنین وجود گونه‌های سفالین، که مشابه آن‌ها در سایر نقاط ایران مشاهده نشد، نشان می‌دهد که در دشت رومشگان کارگاه‌های محلی برای ساخت سفال دایر بوده است. این سفال‌ها ویژگی بومی و محلی دارند و به نظر می‌رسد ساخته دست هنرمندان و صنعتگران محلی باشند. پراکندگی جغرافیایی سفال‌های مشابه سفال‌های اشکانی دشت رومشگان در محوطه‌های غرب ایران و بالاخص منطقه کرمانشاه و همگونی این سفال‌ها، نشان‌دهنده همگونی فرهنگی این منطقه با غرب کشور در طی دوره مورد مطالعه است.

همگونی سفال رومشگان با حوزه جنوب غرب نیز قابل توجه است و میان رومشگان و این منطقه ارتباط و بستگی بیش‌تری نسبت به سایر مناطق (شمال غرب و بین‌النهرین) وجود دارد. این ارتباط به لحاظ مسافت نسبتاً کم و موقعیت جغرافیایی مناسب دو منطقه برای جوامع کوچ‌رو اشکانی عملی منطقی

گرفته (Volgelsang, 1985: 157-172) تأیید می‌کند.

منابع

الف) فارسی

رهبر، مهدی، و سجاد علی‌بیگی، ۱۳۹۰، «گزارش پژوهش‌های باستان‌شناختی به منظور مکان‌یابی معبد لائودیسه در نهاوند»، پیام باستان‌شناسی، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال هشتم، شماره پانزدهم، صص ۱۶۰-۱۳۳.

رستمی زرین‌آبادی، امین، ۱۳۸۹، *ارزیابی نقش عوامل زمین‌شناختی و فعالیت کشاورزی در تعیین کیفیت آب‌های زیرزمینی دشت رومشگان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زمین‌شناسی، دانشگاه صنعتی شاهرود (منتشر نشده).

رشیدی ارزنده، مصطفی، ۱۳۹۰، *الگوهای استقرار دشت میانکوهی رومشگان از روستائینی متقدم تا روستائینی متأخر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (منتشر نشده).

شهبازی، سیاوش، ۱۳۸۱، *بررسی باستان‌شناختی استقرارهای دوره اشکانی در زاگرس مرکزی (منطقه نورآباد لرستان)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

شیشه‌گر، آرمان، ۱۳۸۴، *گزارش کاوش سرخ‌دم لکی، کوه‌دشت لرستان*، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی.

علی‌بیگی، سجاد، ۱۳۸۹، «از سرگیری پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه پارتی بیستون»، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال دوم، شماره سوم، صص ۷۰-۳۹.

علیزاده، کریم، ۱۳۸۲، «معرفی سفال‌های دژ مادی بیستون»، گزارش‌های باستان‌شناسی (۲)، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۱۰۷-۸۷.

آذرنوش، مسعود، ۱۳۸۶، «گزارش کاوش‌های لایه‌شناختی تپه هگمتانه»، در: *گزارش‌های باستان‌شناسی (۷)*، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، جلد اول، صص ۶۱-۱۳.

افشاری، لایلا و امیرصادق نقشینه، ۱۳۹۳، «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوره اشکانی گورستان سنگ‌شیر همدان»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۷، صص ۱۳۲-۱۱۳.

ایراندوست، هاجر، ۱۳۹۱، *تحلیل پراکندگی محوطه‌های باستان‌شناختی (اشکانی) دشت سرفیروزآباد کرمانشاه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).

پرویز، احمد، ۱۳۸۵، *بررسی و شناسایی شهرستان کوه‌دشت*، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).

جعفری‌زاده دهاقانی، مسلم، ۱۳۸۷، *نهاوند در دوره اشکانیان براساس مطالعات باستان‌شناسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).

خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی، ۱۳۸۳، «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماهنشان (زنجان)»، در: *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال غرب*، به کوشش مسعود آذرنوش، صص ۷۱-۴۵.

خسروی، لایلا، ۱۳۸۵، «گزارش گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و حریم محوطه تی‌هله، خرم‌آباد»، در: *گزارش‌های باستان‌شناسی (۵)*، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۹۱-۷۱.

توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های اشکانی منطقه رومشگان لرستان

در زاگرس مرکزی، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر شده).

معتدلی، نصرت‌الله، ۱۳۷۱، «مهرابه ویزنهار قلعه کهزاد»، مجله میراث فرهنگی، سال سوم، شماره نهم، بهار ۷۱، صص ۸-۱۶

میری، فرشاد، ۱۳۹۳، تحلیل الگوهای استقرار دشت رومشگان در دوره اشکانی با استفاده از فناوری GIS، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان (منتشر نشده).

هرینک، ارنی، ۱۳۷۶. سفال ایران در دوران اشکانی، ترجمه حمیده چوبک، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

Alizadeh, A., 2000, *The Origins of State Organization in Prehistoric Fars, Southern Iran*, Oriental Institute Publication, the University of Chicago.

Boucharlat, R., 1987, "Less Niveaux Post-Achemenids a Susa, Sector Nord: Historique des Recherches", *Cahiers de la Délégation Archéologie Francaise en Iran*, Vol. 15, pp. 248-311.

—————, & Labrousse, A., 1979, "Le Palais d Artaxeraxes.II sur la rive droite du Chaour a Suse", *Cahiers de la Délégation Archéologie Francaise en Iran*, Vol. 10, pp. 71-78.

—————, & Haerinck, E., 1991, "Ceramic XII, The Parthian and Sasanian Periods", In: *Encyclopedia Iranica*, Yarshater, E., (Ed.), Vol. V, Fase. 3, PP. 304- 307.

Debevoise, N.C., 1934, *Parthian Pottery from Seleucia on the Tigris*, Ann Arbor, University of Michigan Press.

Keall, E.J., & Keall, M.J., 1981, "The Qal'eh-I Yazdigird Pottery: A Statistical Approach", *IRAN*, Vol. XIX, pp. 33-80.

Kleiss, W., 1970, "Zur Topographie des Partherherhenges in Bistun", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Band 3, pp. 133-168.

کلایس، ولفرام، ۱۳۸۵، «محوطه معروف به دامنه پارتی»، در: بیستون کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۶۷-۱۹۶۳، به کوشش ولفرام کلایس و پیتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۱۰۵-۱۲۰.

مافی، فرزاد، و محمدرحیم صراف، ۱۳۸۵، «تحلیل باستان‌شناختی آثار و استقرارهای اشکانی حوزه آبریز ابهرود»، پیام باستان‌شناسی، مجله علمی-پژوهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال سوم، شماره ششم، صص ۱۰۲-۷۵.

محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۴، بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی

(ب) غیرفارسی

Kleiss, W., & Calmeyer, P., 1996, *Bisutun. Ausgrabungen in den Jahren 1963-1967*, Berlin: Gebrmann Verlag.

Miroschedji, P.de., Desse-Berset, N., & Kervran, M., 1987, "Fouilles du Chantier Ville Royal II a Suse (1975-1977): II. Neveaux d'époques Achéménide, Séleucide, Parthe et Islamique", *Cahiers de la Délégation Archéologie Francaise en Iran*, Vol. 15, pp. 11-133.

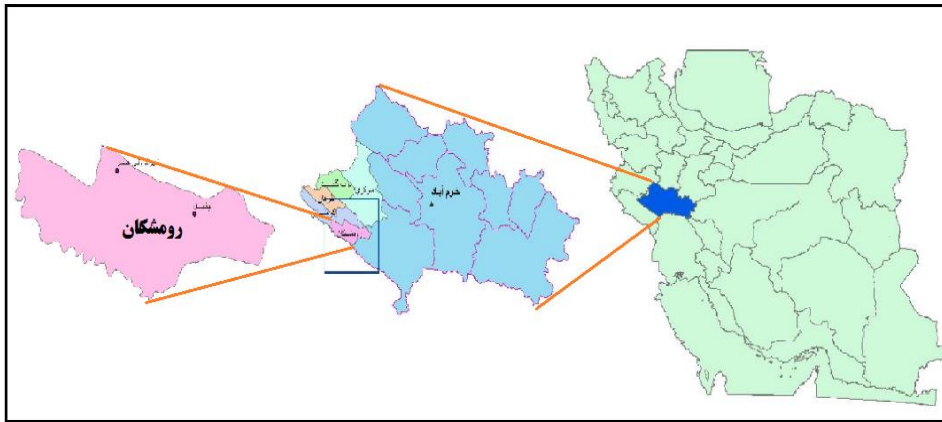
Stronach, D., 1969, "Excavation at Tepe Nushijan", *IRAN*, Vol. VII, pp. 1-21.

—————, 1975, "A Fourth Season of Excavation at Tepe Nush-ijan", *Proceedings of the 3rd. Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, Tehran, 1974*, Bagherzadeh, F., (ed.), Iranian Centre for archaeological Research, Tehran, pp. 52-75.

Vogelsang, W., 1985, "Parthian Pottery from Iran", *Archaeologische Mitteilungen Aus Iran*, Band. 18, pp. 157-172.

Wenke, R.J., 1975, "Imperial Investment and Agricultural Development in Parthian and Sasanian Khuzestan 150 B.C. to 640 A.D.", *Mesopotamia*, Vol. 9(11), pp. 31-221.

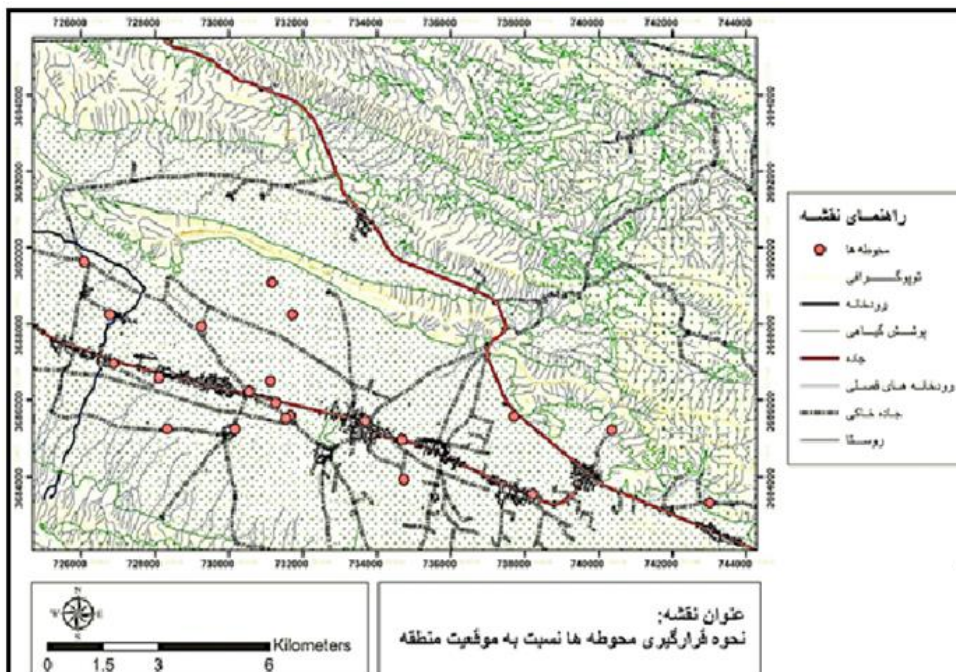
تصاویر



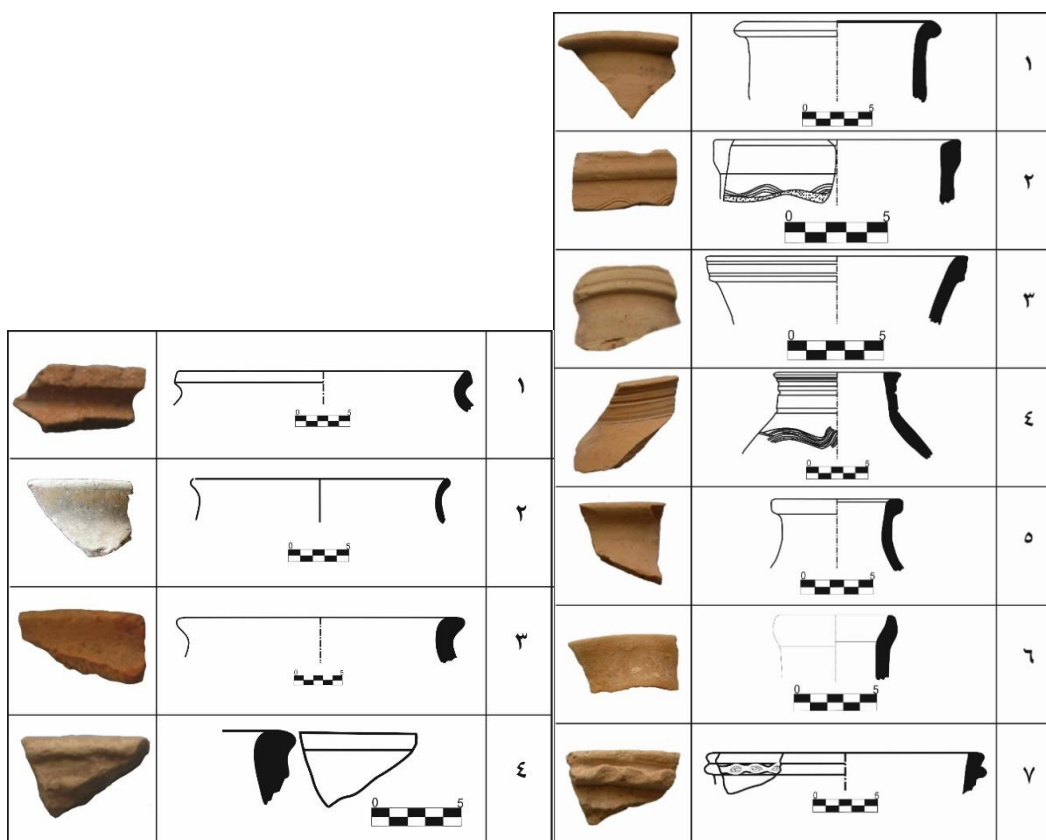
نقشه ۱: موقعیت منطقه رومشگان در استان لرستان (نگارندگان).



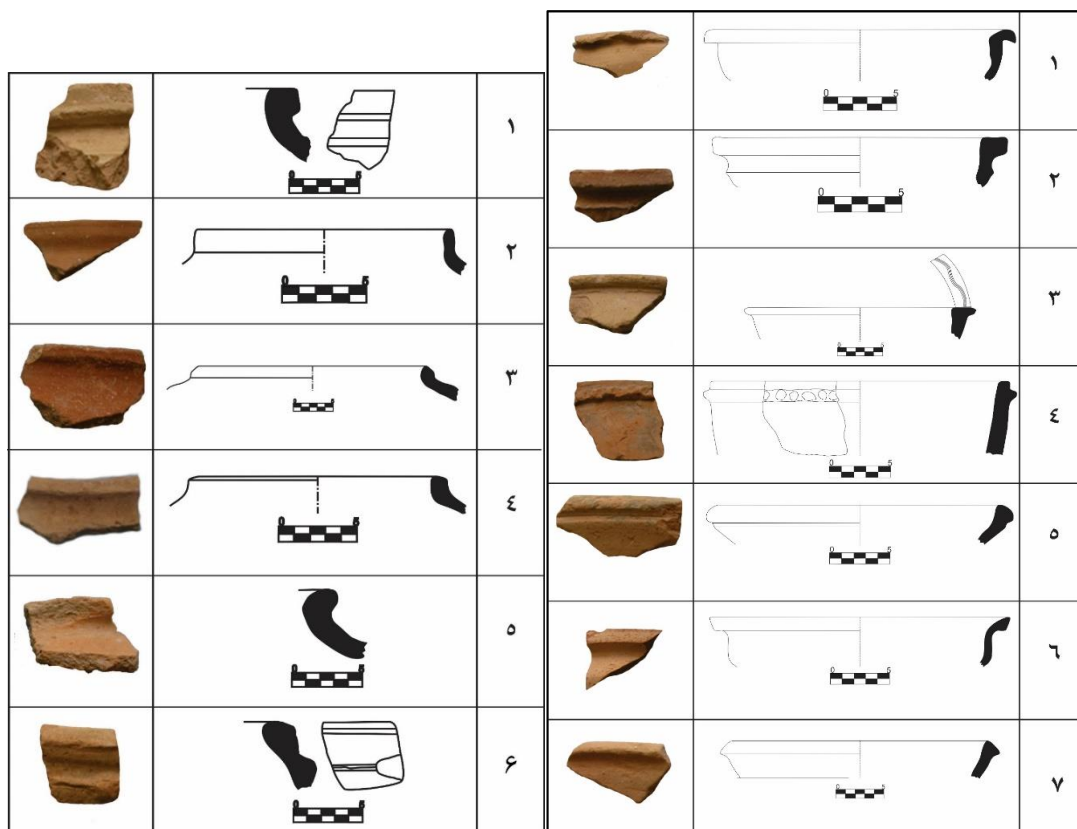
نقشه ۲: تصویر ماهواره‌ای دشت رومشگان (Google Earth, 2014)




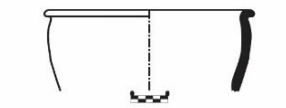






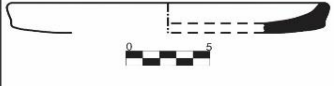


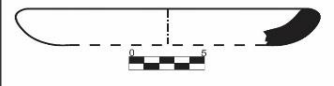

نقشه ۳: پراکندگی استقرارهای اشکانی در منطقه رومشگان (میری، ۱۳۹۳: ۱۴۱)



لوح ۱. سفال معمولی: کوزه‌های گردن‌دار (میری، ۱۳۹۳) لوح ۲. سفال معمولی، کوزه‌های بدون گردن (میری، ۱۳۹۳)




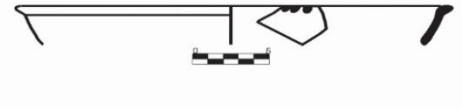



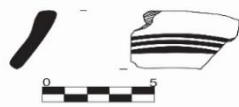




لوح ۳. سفال معمولی، کاسه‌ها (میری، ۱۳۹۳) لوح ۴. سفال معمولی، خمره‌ها (میری، ۱۳۹۳)




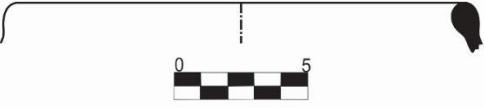

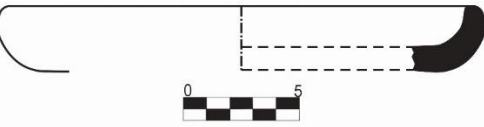
			۱
			۲
			۳
			۴
			۵

لوح ۶. سفال معمولی، بشقاب‌ها (میری، ۱۳۹۳)


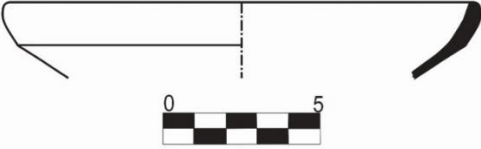





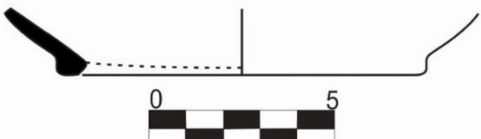
لوح ۵. سفال معمولی، دیگچه (میری، ۱۳۹۳)

		۱
		۲
		۳
		۴
		۵

لوح ۷. سفال منقوش، کاسه و بدنه (میری، ۱۳۹۳).

		<p>۱</p>
		<p>۲</p>
		<p>۳</p>

لوح ۸. سفال لعاب‌دار، کاسه، دیگچه و بشقاب (میری، ۱۳۹۳)

		<p>۱</p>
		<p>۲</p>
		<p>۳</p>
		<p>۴</p>

لوح ۹. سفال جلینگی، کاسه و کف (میری، ۱۳۹۳).

جداول

جدول ۱: جدول توصیف سفال‌های لوح ۱

شماره	نام محوطه	توصیفات	مشابهات	دوره
۱	چیاپل	۱. نوع ساخت ۲. پخت ۳. رنگ خمیره (برون/درون/مغز) ۴. شاموت ۵. کیفیت سطح (برون/درون) ۶. تزئینات (برون/درون) ۷. پوشش و پرداخت (سطح بیرونی/ درونی)	Wenke, 1975: Fig. 33: 609	اشکانی
۲	چیاپور	۱. چرخ ۲. کافی ۳. قرمز، قهوه‌ای، قهوه‌ای ۴. شن ریز ۵. متوسط، متوسط ۶. نقش کنده در بیرون ۷. -	Keall&Keall, 1981: Fig. 11: 3	اشکانی
۳	چیاپور	۱. چرخ ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن ریز ۵. متوسط، متوسط ۶. نقش کنده در بیرون ۷. -	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: شکل ۸:۵	اشکانی
۴	چیاپل	۱. چرخ ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن ریز ۵. متوسط، متوسط ۶. نقش کنده در بیرون ۷. -	Wenke, 1975: Fig. 405	اشکانی
۵	چیا بی کسه	۱. دست ۲. کافی ۳. نخودی، قرمز، قرمز ۴. شن و آهک ۵. متوسط، متوسط ۶. - ۷. -	Miroschidji et al., 1987: Fig. 16: 1	اشکانی
۶	مردایا	۱. چرخ ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نارنجی ۴. شن و آهک ۵. متوسط، متوسط ۶. - ۷. -		اشکانی
۷	کلیک نظر علیوند	۱. دست ۲. کافی ۳. قرمز، قهوه‌ای، قرمز ۴. شن و آهک ۵. متوسط، متوسط ۶. نقش افزوده در بیرون ۷. -		اشکانی

جدول ۲: جدول توصیف سفال‌های لوح ۲

شماره	نام محوطه	توصیفات	مشابهات	دوره
۱	ذرگاوه	۱. دست ۲. کافی ۳. قهوه‌ای، قهوه‌ای، قهوه‌ای ۴. شن و آهک ۵. متوسط، متوسط ۶. - ۷. -	علیزاده، ۱۳۸۲: شکل ۱۰:۳	اشکانی
۲	مردایا	۱. دست ۲. کافی ۳. کرم، کرم، کرم ۴. شن و آهک ۵. متوسط، متوسط ۶. - ۷. -	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۲۵:۱۱	اشکانی
۳	چال زر	۱. دست ۲. کافی ۳. قرمز، قرمز، قرمز ۴. شن ۵. متوسط، متوسط ۶. - ۷. -		اشکانی
۴	چیاپور	۱. دست ۲. ناکافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن ۵. متوسط، متوسط ۶. - ۷. رقیق کرم در بیرون	هرینک، ۱۳۷۶: شکل ۱۶:۶	اشکانی

جدول ۳: جدول توصیف سفال‌های لوح ۳

شماره	نام محوطه	توصیفات	مشابهات	دوره
۱	گگل سو	۱. نوع ساخت ۲. پخت ۳. رنگ خمیره (برون/درون/مغز) ۴. شاموت ۵. کیفیت سطح (برون/درون) ۶. تزئینات (برون/درون) ۷. پوشش و پرداخت (سطح بیرونی/ درونی)	Miroschedji et al., 1987: Fig. 35: 11	اشکانی
۲	کلک نظر علیوند	۱. دست ۲. کافی ۳. قهوه‌ای، قهوه‌ای، قهوه‌ای ۴. شن و آهک ۵. خشن، خشن ۶. - ۷. -	Keall & Keall, 1981: Fig. 26: 46	اشکانی

اشکانی	Boucharlat, 1987: Fig. 57: 18	۱. دست ۲. ناکافی ۳. قهوه‌ای روشن، قهوه‌ای، خاکستری ۴. شن ریز ۵. متوسط، متوسط ۶. -۷ -	۳	خندق مَمه‌جو
اشکانی		۱. دست ۲. کافی ۳. قرمز، نخودی، نخودی ۴. شن ۵. متوسط، متوسط ۶. نقش افزوده در بیرون ۷. -	۴	چال زر
اشکانی	رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: شکل ۴:۳۱	۱. دست ۲. ناکافی ۳. نخودی، نخودی، خاکستری ۴. شن ۵. خشن، خشن ۶. -۷ -	۵	چال زر
اشکانی	رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: شکل ۴:۱۴	۱. چرخ ۲. ناکافی ۳. نارنجی، نارنجی، خاکستری ۴. شن ریز و مواد گیاهی ۵. متوسط، متوسط ۶. -۷ -	۶	گنل سو
اشکانی	آذرنوش، ۱۳۸۶: لوح ۱:۱۰۵	۱. دست ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن ۵. خشن، خشن ۶. -۷ -	۷	گلسوئه

جدول ۴: جدول توصیف سفال‌های لوح ۴

دوره	مشابهات	توصیفات	نام محوطه	ردیف
اشکانی		۱. نوع ساخت ۲. پخت ۳. رنگ خمیره (برون/درون/مغز) ۴. شاموت ۵. کیفیت سطح (برون/درون) ۶. تزئینات (برون/درون) ۷. پوشش و پرداخت (سطح بیرونی/درونی)	خندق الفَت	۱
اشکانی		۱. چرخ ۲. کافی ۳. نارنجی، نارنجی، نخودی ۴. شن ۵. متوسط، متوسط ۶. -۷ -	کَلِکِ موسی آباد	۲
اشکانی	Miroschedji <i>et al.</i> , 1987: Fig. 15: 9	۱. دست ۲. کافی ۳. قهوه‌ای، نخودی، قهوه‌ای ۴. شن ۵. خشن، خشن ۶. -۷ -	چیاگمه‌ای	۳
اشکانی		۱. دست ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن ۵. متوسط، متوسط ۶. -۷ -	مردایا	۴
اشکانی		۱. دست ۲. ناکافی ۳. نارنجی، نخودی، نخودی ۴. شن ۵. خشن، خشن ۶. -۷ -	خندق الفَت	۵
اشکانی		۱. دست ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن ۵. خشن، خشن ۶. نقش افزوده در بیرون ۷. رقیق نخودی در داخل	خندق مَمه‌جو	۶

جدول ۵: جدول توصیف سفال‌های لوح ۵

دوره	مشابهات	توصیفات	نام محوطه	ردیف
اشکانی	Kleiss, 1970: Abb. 26: 7	۱. دست ۲. کافی ۳. نارنجی، قرمز، قرمز ۴. شن ۵. متوسط، متوسط ۶. -۷ -	چیازینل	۱
اشکانی	Kleiss & Calmayer, 1996: Abb. 13	۱. دست ۲. کافی ۳. قرمز، قرمز، قرمز ۴. شن ریز ۵. متوسط، متوسط ۶. -۷ -	موسی آباد	۲
اشکانی	افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳: طرح ۴:۵	۱. دست ۲. کافی ۳. خاکستری، خاکستری، خاکستری ۴. شن و آهک ۵. متوسط، متوسط ۶. -۷ -	مردایا	۳
اشکانی	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۲۶:۴	۱. دست ۲. کافی ۳. قهوه‌ای، نخودی، نخودی ۴. شن ۵. متوسط، متوسط ۶. -۷ -	کَلِکِ نظرعلیوند	۴
اشکانی		۱. دست ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، قرمز ۴. شن ریز ۵. متوسط، متوسط ۶. -۷ - رقیق کرم در بیرون	چیاپور	۵

جدول ۶: جدول توصیف سفال‌های لوح ۶

دوره	مشابهات	توصیفات	نام محوطه	ردیف
		۱. نوع ساخت ۲. پخت ۳. رنگ خمیره (برون/ادرون/مغز) ۴. شاموت ۵. کیفیت سطح (برون/ادرون) ۶. تزیینات (برون/ادرون) ۷. پوشش و پرداخت (سطح بیرونی/ درونی)		
اشکانی	Miroschedji <i>et al.</i> , 1987: Fig. 25:5	۱. دست ۲. کافی ۳. نارنجی، نارنجی، قرمز ۴. شن و شن ریز ۵. ظریف، ظریف ۶-۷. -	دیور	۱
اشکانی		۱. دست ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. گیاهی ۵. متوسط، متوسط ۶-۷. -	باوی	۲
اشکانی	محمدی فر، ۱۳۸۴، لوح ۱۸:۶	۱. دست ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن ۵. خشن، خشن ۶-۷. -	کلک نظر علیوند	۳

جدول ۷: جدول توصیف سفال‌های لوح ۷

دوره	مشابهات	توصیفات	نام محوطه	ردیف
		۱. نوع ساخت ۲. پخت ۳. رنگ خمیره (برون/ادرون/مغز) ۴. شاموت ۵. کیفیت سطح (برون/ادرون) ۶. تزیینات (برون/ادرون) ۷. پوشش و پرداخت (سطح بیرونی/ درونی)		
اشکانی	شیشه گر، ۱۳۸۶، لوح ۱۴ از بالا سمت راست	۱. چرخ ۲. کافی ۳. نارنجی، نارنجی، نارنجی ۴. شن ریز ۵. متوسط، متوسط ۶. نقوش هندسی بر سطح بیرونی ۷. رقیق کرم بر هر دو سطح	مردایا	۱
اشکانی		۱. چرخ ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن و ذرات سفیدرنگ ۵. متوسط، متوسط ۶. نقوش هندسی بر سطح بیرونی ۷. -	مردایا	۲
اشکانی		۱. چرخ ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن ریز ۵. متوسط، متوسط ۶. نقوش هندسی بر سطح بیرونی ۷. -	قلعه کهزاد	۳
اشکانی		۱. چرخ ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن ۵. متوسط، متوسط ۶. نقوش هندسی بر سطح بیرونی ۷. -	مردایا	۴
اشکانی		۱. چرخ ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن ریز ۵. متوسط، متوسط ۶. نقوش هندسی بر سطح بیرونی ۷. -	مردایا	۵

جدول ۸: جدول توصیف سفال‌های لوح ۸

دوره	مشابهات	توصیفات	نام محوطه	ردیف
		۱. نوع ساخت ۲. پخت ۳. رنگ خمیره (برون/ادرون/مغز) ۴. شاموت ۵. کیفیت سطح (برون/ادرون) ۶. تزیینات (برون/ادرون) ۷. پوشش و پرداخت (سطح بیرونی/ درونی)		
اشکانی	Debevoise, 1934: Fig. 190	۱. دست ۲. کافی ۳. قهوه‌ای خاکستری، خاکستری، خاکستری ۴. شن ۵. متوسط، متوسط ۶-۷. لعاب دو طرف ظرف	کلک مهکی	۱
اشکانی	Stronach, 1969: Fig. 9: 20	۱. چرخ ۲. ناکافی ۳. نخودی، قهوه‌ای، قهوه‌ای ۴. شن ۵. متوسط، متوسط ۶-۷. لعاب دو طرف ظرف	کلک مهکی	۲
اشکانی		۱. دست ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، نخودی ۴. شن ۵. خشن، خشن ۶-۷. لعاب دو طرف ظرف	کلک مهکی	۳

جدول ۹: جدول توصیف سفال‌های لوح ۹

دوره	مشابهات	توصیفات	نام محوطه	ردیف
		۱. نوع ساخت ۲. پخت ۳. رنگ خمیره (برون/درون/مغز) ۴. شاموت ۵. کیفیت سطح (برون/درون) ۶. تزئینات (برون/درون) ۷. پوشش و پرداخت (سطح بیرونی/ درونی)		
اشکانی	Boucharlat, 1987: Fig. 67: 20	۱. چرخ ۲. کافی ۳. نارنجی، قرمز، خاکستری ۴. شن ریز و ماسه ۵. ظریف، ظریف ۶. - ۷. -	مردابا	۱
اشکانی		۱. چرخ ۲. کافی ۳. نخودی، نخودی، خاکستری ۴. شن ریز ۵. متوسط، متوسط ۶. - ۷. -	قلعه گهزاد	۲
اشکانی	محمدی‌فر، ۱۳۸۴، لوح ۲۱:۳۷	۱. چرخ ۲. کافی ۳. خاکستری، خاکستری، خاکستری ۴. شن ریز ۵. متوسط، متوسط ۶. پوشش رقیق کرم بر هر دو سطح	قلعه گهزاد	۳
اشکانی	هرینگ، ۱۳۷۶، شکل ۱۴:۱۶	۱. چرخ ۲. کافی ۳. نارنجی، نارنجی، خاکستری ۴. ماسه ۵. ظریف، ظریف ۶. - ۷. -	قلعه کهزاد	۴